

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۳ اگست ۲۰۱۸

سال ۲۰۱۸ سال دوصد سالگی تولد کارل مارکس

تجلیل از خدمات مارکس به جامعه بشری (۳)

"فیلسوفان تا این زمان فقط به تفسیر جهان به طریقه های گوناگون پرداخته و اکنون باید در صد تغییر جهان بر آمد"

کارل مارکس - تزهائی در مورد فویرباخ

انقلاب های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ فرانسه و تأثیرات مارکس و انگلس بر آن ها :

پس از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، طبقه متوسط در اروپا که خیال می کرد آزادی خود را به دست آورده با سلطه سلطنت های جدیدی در فرانسه و اسپانیا روبه روبرو شده بود، (پس از سقوط ناپلئون بناپارت، دوباره خاندان سلطنتی بوریون به مردم فرانسه تحمیل شده بودند) در اثر پیدایش همین سلطنت های جدید، که ناخشنودی طبقه متوسط و طبقه کارگر را به دنبال داشت و منجر به انقلاب جولای ۱۸۳۰ گردید، بساط بوریون ها را برچید و جای آن را به سلطنت مشروطه لوئی فیلیپ داد و متعاقب آن قیام های مشابهی در کشورهای دیگر مانند بلجیم، پولند و ایتالیا به وقوع پیوست که همگی سرکوب شدند و در فرانسه نیز روشن شد که در پشت سلطنت لوئی فیلیپ، سرمایه داران بزرگ و پر قدرت قرار داشتند که با استثمار طبقه کارگر و فشار بی حد به مردم بالاخره این اعتراض و جوش مردم در سال ۱۸۴۸ به انقلاب آنان انجامید. در اواخر فبروری ۱۸۴۸ انفجار اجتماعی فرانسه که نتیجه فشارهای اجتماعی در اروپا از سال های ۱۸۳۰ به آن سو بود و همچنین تأثیرات "مانیفست حزب کمونیست" که به پرولتاریا امید و نوید می داد، در محلات کارگر نشین پاریس در حالی که فقر و فلاکت گریبانشان را گرفته بود، به وقوع پیوست. این انفجار منجر به تشکیل جمهوری دوم فرانسه شد. مارکس پس از اطلاع از این واقعه پشتیبانی خود را از این جنبش اعلام کرد. نقش مارکس و انگلس در تاریخ مبارزاتی مردم اروپا بسیار با اهمیت است. آنان خود در متن این مبارزات قرار داشتند و توانستند افکارشان را در پاسخ به نیازهای سیاسی، مبارزاتی و اقتصادی آن زمان تدوین کرده و به جامعه ارائه دهند.

در سال ۱۸۴۸ کارگران در انقلاب دموکراتیک شرکت وسیع داشتند که مارکس و انگلس در آنزمان در مجله (نویه راینیشه) آنان را به ضرورت شرکت در این انقلاب تشویق می‌کردند. اما متأسفانه انقلاب قادر به انجام وظائف دموکراتیک خود نگردید و این وظائف همچنان در دستور کار قرار گرفت و باقی‌ماند.

مارکس در آن زمان در ادامه اثر بی‌نظیر خود "مبارزه طبقاتی در فرانسه از سال ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰" اثر دیگری را خلق کرد به نام "هجدهم برومرلویی بناپارت" مشهور شد. مارکس در این کتاب با به کارگیری اسلوبی انقلابی حوادث آن سالها را، با اصول اساسی خود یعنی ماتریالیسم تاریخی، تئوری مبارزه طبقاتی و در نتیجه انقلاب پرولتری و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا تجزیه و تحلیل کرده و پیوند آنها را با یک دیگر نمایان نموده و غناء بخشید.

او همچنین در این اثر، مراحل اساسی و وقایع انقلاب فیروزی، نقش تمام نیروهای طبقاتی جامعه فرانسه و بیان و تجزیه و تحلیل درست از منافع سیاسی و اقتصادی آنان را به تفصیل نشان داده و علل شکست آن و کودتای ضدانقلابی دوم دسمبر ۱۸۵۱ و روی کار آمدن لویی بناپارت را که در نتیجه خیانت بورژوازی که به عنوان نیروی ضدانقلابی و ضدمردمی عمل کرد و پرولتاریا و دیگر اقشار زحمتکش که در آن زمان تاب مقاومت را نداشتند شرح داده، و وقوع این کودتا را ناگزیر می‌دانست.

انگلس در پیشگفتار چاپ سوم المانی (۱۸۸۵) این کتاب (هجدهم برومرلویی لویی بناپارت) چنین نوشت: "براستی هم این اثر دایمانه بود. بلافاصله پس از رویدادی که به سان غرش رعد در آسمان بی‌ابر تمام عالم سیاست را به حیرت انداخته بود و برخی با فریادهای خشم معنوی به آن لعنت می‌فرستادند و برخی دیگر آن را راه نجات از انقلاب و کفیری برای کج‌رویهای آن تلقی می‌کردند، ولی خود رویداد همگان را فقط به حیرت انداخته بود و هیچ کس مفهوم آن را درک نمی‌کرد - آری بلافاصله پس از چنین رویدادی مارکس اثر کوتاه و هجو کننده‌ای را عرضه می‌دارد که در آن تمام سیر تاریخ فرانسه از زمان حوادث ایام فیروزی برپایه ارتباط درونی آن تشریح گردیده و نشان داده شده است که معجزه دوم دسمبر (منظور کودتای ۲ دسمبر است که بر مبنای آن لویی بناپارت مجلس را منحل کرد- توفان) چیزی جز نتیجه طبیعی و جبری این ارتباط نبوده است. یک نکته دیگر را هم باید افزود و آن این که مارکس برای نخستین بار قانون سترگ حرکت تاریخ را کشف کرد که به موجب آن هر مبارزه تاریخی اعم از مبارزه در عرصه سیاسی، مذهبی، فلسفی یا در هر عرصه دیگر ایدئولوژیک در واقعیت امر چیزی جز نمودار کم و بیش روشن مبارزه طبقات جامعه نیست و بنابراین تصادم میان طبقات نیز به نوبه خود به درجه تکامل وضع اقتصادی و خصلت و شیوه تولید و مبادله (که چگونگی آن را همان شیوه تولید معین می‌کند) بستگی دارد. مارکس این قانون را که اهمیتش برای تاریخ به اهمیت قانون قابلیت تبدیل انرژی برای علوم طبیعی است در اینجا نیز به عنوان کلید درک تاریخ جمهوری دوم فرانسه به کار برد."

بیانیه حزب کمونیست:

اتحادیه کمونیست‌ها این سازمان بین‌المللی کارگری در کنگره نومبر سال ۱۸۴۷ خود در لندن به مارکس و انگلس مأموریت داد تا برنامه مفصل تئوریک و عملی حزب را برای انتشار تهیه کنند. در دسمبر ۱۸۴۷ و جنوری ۱۸۴۸ مارکس و انگلس چکیده تمام افکار، عقاید و تجارب خود را که تا آنزمان از انقلابات اجتماعی دوران خویش به دست آورده بودند، با زبانی گویا و محکم به رشته تحریر در آوردند که برای اولین بار در فیروزی ۱۸۴۸ در لندن به صورت جزوه‌ای به چاپ رسید. مارکس و انگلس نام این جزوه را که به یکی از درخشان‌ترین و تأثیرگذارترین اسناد سیاسی در طول تاریخ بدل شد، **مانیفست حزب کمونیست** نهادند. لنین که خود یک مارکسیست برجسته بود و توانست

آنچه را که مارکس اندیشیده بود، در عمل به تحقق درآورده و معماربزرگترین انقلاب سوسیالیستی جهان در اکتوبر ۱۹۱۷ گردد، در این مورد چنین گفته است:

"مانیفست حزب کمونیست" یکی از مهمترین اسناد برنامه‌ی کمونیسم علمی است. "این کتاب کوچک به اندازه چندین کتاب ارزش دارد: مضمونش تا امروز سراسر پرولتاریای متشکل و رزمنده‌ی دنیای متمدن را جان می‌بخشد و به جنبش در می‌آورد."

مانیفست حزب کمونیست زنگ پیکار و به پاخاستن کمونیست‌ها و پرولتاریا علیه بورژوازی را در همه‌ی جهان به صدا درآورد. در این جزوه چنین آمده است: "جامعه‌ی نوین بورژوازی، که از درون جامعه‌ی زوال یافته‌ی فئودال بیرون آمده، تضاد طبقاتی را از بین نبرده است، بلکه تنها طبقات نوین، شرایط نوین جور و ستم و اشکال نوین مبارزه را جانشین آنچه که کهنه بوده، ساخته است. ولی دوران ما، یعنی دوران بورژوازی، دارای صفت مشخصه است که تضاد طبقاتی را ساده کرده است. سراسر جامعه بیش از پیش به دواردوگاه بزرگ متخاصم، به دو طبقه بزرگ که مستقیماً در برابر یک دیگر ایستاده‌اند تقسیم می‌شود: بورژوازی و پرولتاریا. "در جای دیگر این جزوه چنین آمده است:

"بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند. پرولتاریا در این میان چیزی جز زنجیر خود را از دست نمی‌دهند، ولی جهانی را به دست خواهند آورد."

"مانیفست حزب کمونیست" در آخر، با شعارمشهور و ماندگار "پرولتاریای سراسر جهان، متحد شوید!" به پایان می‌رسد.

[برگرفته از توفان شماره ۲۲۱ مردادماه | اسد | ۱۳۹۷ - گشت ۲۰۱۸](#)

[ارگان مرکزی حزب کار ایران \(توفان\)](#)